

آب در آینه ادبیات

مؤلفان

احمد گودرزی

مدیر دفتر بهره برداری و نگهداری از تأسیسات آبی شرکت آب منطقه ای لرستان

دکتر سعید اسلامیان

استاد تمام گروه مهندسی آب دانشگاه صنعتی اصفهان

دکتر کاوه استاد علی عسکری

عضو هیأت علمی گروه عمران دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

فهرست مطالب

فصل اول ۱۵۱

تعاریف، اصطلاحات و امثال حکم ۱۵۱

تعاریف ۱۶

ترکیبات اسمی ۱۶

اصطلاحات ۱۶

ضرب المثل ها ۲۴

آب، حیات و آبادانی ۲۴

آب و کوزه ۲۶

آب و آتش ۲۸

آب و چاه ۳۳

آب و نان ۳۴

آب جوی ۳۹

آب چشم ۴۵

آب و آبرو ۴۶

آب و گل ۴۸

آب و کار بیهوده ۵۱

آب از سرگذشتن ۵۵

آب، زیرکی و حيله گری ۵۶

آب و تحرک ۶۱

آب و آسیاب ۶۵

مثل آب... ۶۶

آب و خواب | ۶۹

آب و تشنگی | ۷۰

آب، غرور و افتادگی | ۷۲

آب و روغن | ۷۴

آب و سخاوت | ۷۵

قدر آب | ۷۶

آب، اصل و نسب | ۸۲

آب در چیزی داشتن | ۸۷

آب شدن | ۸۸

آب، دعا، سحرین و قضا و قدر | ۹۲

آب و ماهی | ۹۵

به آب دادن آب در آب نماندن چیزی | ۹۶

آب خوردن | ۱۰۲

آب، صفات و خصلت انسانی | ۱۰۴

از آب درآمدن یا کشیدن، جری | ۱۱۳

فصل دوم | ۱۱۷

آب در باورهای مردم | ۱۱۷

فصل سوم | ۱۲۱

اشعار | ۱۲۱

فهرست منابع | ۱۳۳

بیشگفتار

آن که به جان زنده است، از زندگانی محروم است، آن که جان بدو زنده است، او حی قیوم است. توحید آن نیست که او را «مستخوان» خوانند، توحید آن است که او را یگانه دانی. توحید آن نیست که او را بر سر زبان داری، توحید آن است که او را در میان جان داری. توحید نه همه آن است که یک «بی بی» یگانه باشی، توحید حقیقی آن است که از غیر او بیگانه باشی. اگر تو خود را بشناختی، از شادی و غم و غمی و اگر صحبت خود دریافتی، از دو عالم بپرداختی. یکی تشنه آب، آب می جوید و یکی در آب، قدم آب می گوید، اگر این تشنه در دریا بار کند، زندگانی به دریا دهد و اگر آن تشنه فرا آب رسد، زندگانی فرا آب بند و آن هر دو در طلب زندگانی هلاک، این سخن را نداند مگر صاحب دل پاک.

الهی، زبانم در سر ذکر شد، ذکر در سر مذکور، دل در سر مهر شد، مهر در سر نور، جان در سر عیان شد، عیان از بیان دور.

الهی، اگر یک بار گویی «بنده من»، از عرش بگذرد خنده من.

الهی چون با توام، از جمله تاجدارانم، تاج بر سر و اگر بی توام، از جمله خاسارانم، خاک بر سر.

ای دیر خشم زود آشتی، آخر در تومیدی مرا نگذاشتی.

الهی، این چه فضل است که تو با دوستان خود کرده ای؟ هر که ایشان را شناخت، تو را یافت و هر که تو را یافت، ایشان را شناخت.

الهی همچون بید می لرزم که نباید به هیچ نیرزم.

الهی، به بهشت و حور چه نازم؟ مرا نظری ده که از هر نظری بهشتی سازم.

الهی، به عزت آن نام که تو خوانی و به حرمت آن صفت که تو چنانی، دریاب مرا که می توانی.

تمدن‌های «روز» روزی گورستان فراموشی‌هاست و انسان‌ها از اصل خود بسیار دور مانده‌اند. امروزه باید حتی مفاهیم اساسی محاسبات را هم در کلاس‌های درسی به فرزندانمان آموزش دهیم. یکی از مشکلات امروزی ما، قطع رابطه پیشینه خود است که همین امر سبب شده است با عناصر طبیعی نیز قطع ارتباط کنیم. اجداد ما در هندوئیسم با آب و خاک، شلاق بی‌رحم برف و باران و تازیانه باد و طوفان را به جان می‌خوردند و از سوزش خشکسالی و خرابی سیلاب‌ها نمی‌هراسیدند و با سختی زمین را صاف می‌کردند تا دانه‌ای را در دل نرم خاک جای دهند. اویدی که امروزه زندگی ما بیش از هر زمان دیگر وابسته به آب و خاک است، روابط انسان‌ها با این منبع چه به لحاظ فیزیکی و چه به لحاظ احساسی بسیار ضعیف شده و انسان خواسته یا ناخواسته کمر به نابودی این منابع ارزشمند و حیاتی بسته است. یکی از این منابع با ارزش که اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست، آب است.

خدای فایده مهرش اندر آب نهاد
از آب زنده در جهان و ز آب گریز نیست
(عنصری)

توسعه تمدن‌ها همواره در گرو موجودیت و فراوانی آب بوده است. نخستین تمدن‌های بشر، در مناطقی شکل گرفتند که از آب و خاک خوب بهره‌مند بودند. به همین دلیل تمدن‌های اولیه مصر و بین‌النهرین به تمدن‌های آبی معروف‌اند. در زبان فارسی اولین حروف فرهنگ لغات «آ» و «ب» است که ترکیب آن آب است، لذا آب را الفبای زندگی می‌دانند. کلمات آباد و آبادان که به معنی تمدن است، از واژه آب گرفته شده‌اند. از نظر نیاکان ما آب مایه زندگانی بود. برای آن‌ها آب بدین جهت از چشمه‌ها می‌جوشید و در رودخانه‌ها جاری می‌شد؛ چون موجودی زنده به‌شمار می‌رفت. عبری‌ها همیشه از آب به‌عنوان «آب زنده» و عرب‌ها از آن با نام «آب جاری» یاد می‌کردند. در بسیاری از ادیان شرق، آب نه تنها عامل تمیزکننده بلیدی‌ها، بلکه هدیه‌کننده زندگی و تجدیدکننده خوشی‌هاست و باران را رحمت خدا می‌دانند.

در کتب مقدس دینی بارها از آب به عنوان هدیه بهشتی که خداوند به بندگانش مرحمت فرموده، یاد شده است. ادبا نیز آب را مایه حیات دانسته و آن را واژه‌ای مقدس خوانده‌اند.

آب بهتر هزار بار ز می

و مِنَ الْمَاءِ كُلُّ شَيْءٍ حَيٍّ
(سنایی)

زندگی یافت از لب تو کمال

و مِنَ الْمَاءِ كُلُّ شَيْءٍ حَيٍّ
(کمال خجندی)

کثرت اشعار و ضرب‌المثل‌ها درباره آب در ادبیات ایران و جهان دلیلی بر این ادعاست؛ چرا که ضرب‌المثل‌ها در داشته‌های اخلاقی، فکری و اعتقادی هر ملت ریشه دارند. این درحالی است که ضرب‌المثل را نیاز روزمره می‌دانند و کثرت آن در مورد آب، نشان از اهمیت و ارزش آب، پیش اجداد و نیاکان ما دارد.

کتاب حاضر مجموعه‌ای درحد توان مؤلفان و نه کامل، از مثل‌ها، کنایات، اصطلاحات و اشعاری است که درباره آب و خصوصیات و صفات آن گفته شده‌است. همه ما در محاورات روزمره خود بارها از این اصطلاحات و مثل‌ها استفاده می‌کنیم. امثالی مانند «فلانی آب زیرکاه است»، «زیر آب کسی را زدن»، «آب نیست، وگرنه شناگر می‌شد» و ... کاملاً بین مردم جا افتاده‌اند و همه اقشار جامعه به کرات از آن‌ها استفاده می‌کنند. اما آیا تا به حال به این سؤال که این همه ضرب‌المثل و اصطلاح چرا و چگونه وارد ادبیات فارسی شده‌اند، فکر کرده‌اید؟

سخن هر سخنوری هنگامی دلپذیر است که از آرایش نظم و معنی، بهره کافی داشته و فصیح باشد و عامه افراد یک ملت از هر طبقه و صنف بدان معتقد و معترف باشند. هر مثل نتیجه تجارب و خلاصه افکار و آرای صدها بلکه هزاران شخص دانا و آزموده است که در قالب بی‌عیب و مختصر و روان ریخته شده و به هیئت جامعه یک ملت تقدیم شده‌است و جامعه آن را پسندیده و با میل و رغبت پذیرفته و مفاد و مضمون آن را تصدیق کرده است. علامه دهخدا درباره مثل می‌گوید: «مثل تشبیه کردن معقولی یا امری انتزاعی و یا محسوسی به محسوسی، با عبارتی کوتاه و نسبتاً فصیح است برای روشن کردن یا اثر زیاده دادن به معقول. مثل تعبیری سایر یا سایرگونه است که حالت معقولی را برای روشن کردن به محسوسی تشبیه کند.» و چه محسوسی محسوس‌تر از آب. به عنوان مثال در «آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم» معقول (مشبه) مقصود حاصل متکلم است و محسوس (مشبه‌به) آب در کوزه با تشنه لبی باشد. «آب از دریا می‌بخشد» معقولی را به محسوسی بزرگ‌تر تشبیه کرده است یا «آب از دستش نمی‌چکد» معقولی را که بخل و امساک است، به محسوسی که آب و دست و نچکیدن باشد، مانند کرده است.

تفاوت گذشتگان و قدما با مردم امروز ذوق و طبع لطیف و شیرین سخنی آنان بود. اگر چرخ آسیابی

بر آبی می‌چرخید تا گندمی را آرد کند، ده‌ها پند و اندرز از آن می‌گرفتند؛ مانند: «آب به آسیاب دشمن ریختن»، «هرکسی سوی آسیاب خود آب می‌کشد»، «چو آب لباشد، آسیاب چون گردد»، «آب‌ها از آسیاب افتادن» و... امروزه شاید همان کار آسیاب را توربین‌های عظیم الجثه مولد برق می‌کنند، اما دریغ از یک ضرب‌المثل که در مورد توربین و امثال آن گفته شده باشد.

۱۳

ضرب‌المثل‌های گردآوری شده در این کتاب را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول ضرب‌المثل‌هایی است که در گذشته رایج بوده و امروزه متأسفانه به کلی فراموش شده‌اند یا به‌ندرت در میان اهل ادب و علاقمندان به پارسی کهن به‌کار می‌روند. مانند: «آب بی‌لجام خوردن»، «آب کسی هل شدن» یا «چاه از کوه آب می‌خورد».

استاد محمد باي جهال‌زاده در مقدمه کتاب فرهنگ لغات عامیانه آورده‌اند: «کلمات هم حیات و مماتی دارند و بانچه جور از حرکت و ورزش بمانند، یعنی ما آن‌ها را به‌کار نبریم و مورد استعمال قرار ندهیم، ضعیف و سست بنیه می‌گردد و می‌میرند و از میان می‌روند.» دسته دوم شامل ضرب‌المثل‌هایی است که همچنان در بین مردم به‌شکل‌های گوناگون رایج است که در آثار ادبا و شاعران قدیمی آمده است، رواج دارند و استفاده به‌موقع و بجای از آن‌ها به‌شکل‌های گوناگون می‌آورد؛ مانند: «آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم»، «فکر نان باش که خرابه آب است» یا «ماهی را هر وقت از آب بگیری، تازه است»، اما دسته سوم ضرب‌المثل‌هایی را دربرمی‌گیرد که در هیچ یک از منابع مورد استفاده که نام آن‌ها در فهرست پایان کتاب داده شده و در دسترس نگارنده نبوده‌اند، ولی مردم در محاورات روزمره خود از آن‌ها استفاده می‌کنند؛ مانند: «رو آب بخندی» یا «هنو آب تو کورت اوله» یا «از خوردن آب شراب رنگ برهیز می‌کند».

برای تأیید مطلب و دلنشین ساختن، استواری و رسایی کلام سعی شده است برای هر ضرب‌المثل یا اصطلاح، یک یا چند بیت شعر یا جمله‌ای از نثر شاعران و نویسندگان بهیر ادب پارسی، مرتبط با ضرب‌المثل یا مضمون آن، به‌عنوان شاهد آورده شود تا خوانندگان محترم مورد استفاده ضرب‌المثل‌ها را نیز بدانند.

آنچه در این کتاب مدنظر مؤلف بوده، تنها گردآوری ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات مرتبط با آب نبوده، بلکه مأخذ آن‌ها نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ چرا که با مطالعه دقیق امثال سایره، از طرز زندگی اجتماعی و میزان تربیت و تمدن و پایه ترقی یا تنزل و چگونگی تصورات و تصدیقات و نیک و بد رسوم و عادات آن ملت، به نحوی آگاه می‌شویم که گویی سال‌ها با افراد طبقات مختلف او شریک زندگی و رفیق شب و روز بوده‌ایم. خواندن این کتاب برای تمامی اقشار جامعه؛ به‌ویژه دانشجویان رشته‌هایی که به نوعی با آب در ارتباط هستند، خالی از لطف نخواهد بود؛ چه آگاهی از پیشینه آب و نقش آن در زندگی قدما در فراگیری خواص آب و علوم مرتبط با آن بی‌تأثیر نخواهد بود.

امید آن می‌رود که مطالعه این کتاب در شناخت اهمیت و ارزش آب بین پیشینیان ما مؤثر واقع شود

و ما نیز چون گذشتگان مان آب را مقدس بدانیم و در حفظ و نگهداری و استفاده صحیح از آن بکوشیم.

انسان نخستین دیدار رویاروی با خود را در آب دید؛

در سطح صاف و روشن چشمه‌ها و آبگیرها

و از آنجا آب با رازهای نهفته درآمیخت

و انسان از آب آینه را آموخت و آینه را ساخت

و آب و آینه نماد پاکی و روشنی شدند

و آب و آینه با هم بر سفره پیوند زندگی نشستند

و بر سفره نوروز

و بر سفره باورها و دل‌ها و ...

پذیرفتن تونه بود که آب مقدس شد

و ظاهر قدسی پیدا کرد.

(برگرفته از مقدمه کتاب انسان و آب در ایران)